

اگر از میان دهه های گذشته و حتی اخیر محبوبیت یک کمدین و یا یک سینماگر به سنجش آرا گذاشته شود بدون اغراق چارلی چاپلین در سینمای کودک و نوجوان و حتی پیران امروز و کودکان دیروز یک شخصیت مانا و فراموش نشدنی است و من شخصاً شبی را که در تلویزیون و در یک برنامه سینمایی دکتر هوشنگ کاووسی با ناراحتی زیادی ظاهر شد و خیرمرگ چارلی چاپلین را به اطلاع همه علاقمندان رسانید هرگز فراموش نمی کنم.

به کنار از دوران کودکی بسیار سخت و محیط زجر آور نواندازه ها و شرح گرسنگی هایی که شاید گوشه هایی از آنرا در فیلم پسر بچه شخصاً روایت کرده باشد، وی در سال ۱۹۱۰ به عنوان کمدین اکروبات بازی با شهرتی اندک به آمریکا سفر کرد - چارلی چاپلین اولین فیلم سینمایی اش را برای کیستون یا ارائه توانائیهای خارق العاده اش تدارک دید. او در این فیلم مترپیشه ای بی بدیل و بازیگری خلاق و مبتکر را به سینما معرفی کرد و سپس در فیلمهایی که توسط سنت کارگردانی شد یک تیپ ثابت و محبوب کودکان را با کلاه لگنی، آرایش خاص چهره و کت بلند دم دار و کفشهایی بزرگتر از خود و عصایی همراه با مجموعه این از حرکات کوتاه و سریع و تقریباً مقطع بکار انداخت. چارلی چاپلین با کوله باری از زندگی در محنت و مشاهده و ملاحظه کودکانی در کارهای شاق و کودکی طاققت فرسار و حیه ای عاطفی و چهره ای عاطفی تر داشت، او از حرکات فوق العاده چشمانش استفاده می کرد تا با حرکت سریع کرپه مانند ای مقاصد و نیاتش را به تماشاگران انتقال دهد.

چارلی چاپلین در اندیشه کودکان و در کار برای کودکان تابدا نجا پیش رفت که در فاصله سیلهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ فیلمهای متفاوتی را برای خانواده ها تدارک دید فیلمهایی از قبیل زندگی سگی - پناهگاه - مهاجر - و پسر بچه

چارلی چاپلین در سال ۱۹۲۳ زنی از پاریس و در سال ۱۹۲۵ جویندگان طلا و در سال ۱۹۲۹ سیرک و در سال ۱۹۳۱ فیلم زیبای لایم لایت روشنائی های شهر را که موسیقی آنرا هم خود تصنیف کرده بود روانه پرده نقره ای نمود.

و امروز چارلی چاپلین از این نظر در میان خانواده ها و کودکان و نوجوانان دنیا اهمیت دارد که فیلمسازی عاطفی بود و نه تکنیکی و کورا خود به اطرافیان نشان اظهار داشته بود که من نیازی ندارم که زاویه دوربین و یا دکوپاژ به چه نحو انجام گیرد، بلکه من با تمام احساساتم و تمام عواطفم فیلم می سازم و آنچه که برای من مهم است شادی و غم تماشاگران فیلمهایم می باشد. من به سلامت فیلم هایم اندیشه می کنم نه چیز دیگری و وجود این در مقوله سینما و حتی در مقوله کمدی چارلی چاپلین یک فیلمساز کمال کرا و سالم محسوب می شود او در مواردی که اندک تردیدی احساس

می کرد بدون درنگ فیلمبرداری را تجدید می نمود. بطور مثال برای فیلم دیکتاتور بزرگ در مدت ۱۲۷ روز بمقدار پانصد هزار فیت نکاتیر فیلمبرداری کرد در حالیکه نتایج نهایی در این مقدار خلاصه شد.

توانای های واقعی چارلی چاپلین در بازیگری کمیک و ابتکارات تخیلی و فی البداهه اش در ارائه نقشهای خنده آور دارای مضامین جدی اجتماعی و تجسیم روشنی از شخصیت های مورد نظر او در بستر داستان فیلم است، همانکه تا به امروز کمتر سینماگری موفق به ارائه آن شده، اما امریکائیان وقتی که علاقه چارلی چاپلین را به کودکان و حقوق کودک و مبارزه او را در راه آزادی و استقلال مردم تحت ستم جهان مشاهده کردند از دادن اقامت و امتیازات شهروندی خودداری کردند و این موضوع را تابدا نجا پیش بردند که در سال ۱۹۲۳ طی موانع و مشکلاتی که برای او پیش آوردند چارلی خیال آمریکا را برای همیشه راحت کرد و اظهار داشت من نه امریکایی هستم و نه مربوط به آمریکا من یک سینماگرم و به تمام دنیا تعلق دارم. امریکائیهها با انگ کمونیستی و عدم وابستگی به کلیسای خاصی، چارلی چاپلین را تکفیر کردند اما واقعیت امر این بود که چارلی چاپلین با هرگونه محدودیتی بر فعالیتش به مخالفت برخاسته بود

و ناچار برخی از سناتورهای امریکایی خواستار اخراج او از خاک امریکا شدند و این کشمکش تا سال ۱۹۵۳ ادامه داشت و در این سال وقتی که به اروپا سفر کرده بود سفیر امریکا در سوئیس به وی اطلاع داد که اقامتش در امریکا تمام شده و هرگز نمی تواند به امریکا بازگردد. چارلی چاپلین در سوئیس اقامت گزید و در کتابی که در سال ۱۹۶۴ به چاپ رسانید نوشت گناه من و تنها گناه من اینست که وابسته به هیچ کلیسای رسمی نیستم. من وابسته به تمام مردم جهان هستم. چارلی چاپلین در کتاب مذکور جوانان دنیا را به درک واقعیت ها و شناخت صحیح موقعیت ها فرا می خواند و وقتی که در مورد آرزوهایش از او سؤال می کنند می گوید آرزو دارم جوانان دنیا کارهای مرا و فیلم های مرا بخوبی درک کرده باشند. اگر جوانان محیط و موقعیتهای آنچه را که پیرامون آنهاست به خوبی درک کنند شاید من و امثال من به نتیجه مطلوبی در مورد کارهایمان رسیده باشیم

نقش چارلی چاپلین در سینمای کمدی و در سینمای کودک و نوجوانان و نگرش خاص او به حقوق کودک - آزادی - و تکفیر چنگ و کشتار زنان و کودکان هرگز از ذهن سینمادوستان و علاقمندان هنر هفتم زده نخواهد شد.

## چارلی چاپلین و دنیای کودکان

سید ابراهیم بحر العلومی

